

# تحلیلی بر بحران اقتصادی شرق آسیا و پی آمدهای آن

رضا شیرزادی

چکیده: توسعه اقتصادی-اجتماعی آسیای جنوب شرقی طی دهه‌های اخیر شکل خیره‌کننده‌ای به خود گرفت و نظر جهانیان را به خود جلب کرد و حتی بعنوان الگویی برای توسعه اقتصادی سایر کشورهای در حال توسعه و عقب مانده مطرح شد. اما بحران اقتصادی نیمه دوم سال ۱۹۹۷ باعث ایجاد شک و تردید نسبت به استحکام مبانی توسعه در این کشورها شد. این بحران که گریبانگیر بسیاری از کشورهای منطقه گردید، موجب سقوط بازارهای سهام و ارزش پول ملی و طبیعتاً رکود اقتصادی شد. مقاله حاضر برآنست تا با بررسی بحران اخیر اقتصادی در کشورهای شرق آسیا، علل بروز این بحران را توضیح داده و پی آمدهای آنرا در سطح منطقه، دیگر مناطق و نیز اقتصاد جهان ارزیابی نماید.

## ۱- بروز بحران اقتصادی

کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سه دهه اخیر دارای رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. این رشد اقتصادی موجب تحول عظیمی در این منطقه گردید به گونه‌ای که در مطبوعات جهان و در فهرست برخی سازمانهای جهانی، نام تعدادی از این کشورها را در ردیف کشورهای توسعه یافته قرار داد. این تحول به قدری چشمگیر بود که از آن به عنوان «معجزه شرق آسیا» (The East Asia Miracle) نام برده شد و به مرور موجب گردید که آسیای جنوب شرقی به عنوان الگوی توسعه اقتصادی برای سایر کشورهای جهان سوم مورد توجه قرار گیرد.

موفقیت اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا معلول دو عامل عمده بود:

۱- جذب سرمایه‌های کلان خارجی

۲- بسیج نیروی کار داخلی اعم از متخصصان و کارگران ماهر و نیمه ماهر، سازماندهی و بهره‌برداری بهینه از این نیروی انسانی در جهت بکارگیری هر چه بهتر سرمایه‌های مادی و تولید هر چه بیشتر به منظور صادرات.

به این ترتیب ترکیب دو عامل سرمایه خارجی و نیروی کار داخلی زمینه‌ساز تحول اقتصادی شرق آسیا شد.

روند صعودی رشد اقتصادی شرق آسیا تا اوایل سال ۱۹۹۷ ادامه داشت اما پس از سه ماهه اول سال، علائمی از بحران در برخی از این کشورها پدیدار شد. اولین کشوری که با بحران اقتصادی اخیر دست به گریبان شد، کشور تایلند بود. تایلند با میانگین نرخ رشد سرانه درآمد ناخالص ملی حدود ۸ درصد در سال طی دهساله ۱۹۹۴-۱۹۸۵ پیشرو جهان بود، تایلندیها از این عملکرد اقتصادی که سطح زندگی آنها را بالا برده بود و به نظر می‌رسید که بدون توقف نیز ادامه داشته باشد به خود می‌بالیدند و همین امر موجب شد تا به موقع متوجه خطراتی که اقتصاد آنان را تهدید میکرد، نشوند.

از اوایل سال ۱۹۹۶ وضع اقتصادی تایلند ملتهب شد. برخی تحلیلگران به دولت پیشنهاد کردند که از صندوق بین‌المللی پول جهت راهنماییهای لازم یاری بطلبد ولی غرور و ملاحظات سیاسی مانع از این امر شد و برافروختگی وضع اقتصادی که توسط سوداگران مستغلات رهبری می‌شد، ادامه یافت. این مسائل بوسیله بخش مالی که آمادگی لازم برای جهانی شدن را نداشت، تشدید می‌شد. به بیان ساده طوفان تغییرات به شدت وزیدن گرفت و اقتصاد تایلند را درنوردید.

در اواخر ژوئن ۱۹۹۶ کاملاً روشن بود که تنها اقدامات فوری می‌تواند اقتصاد تایلند را نجات دهد. بنابراین دولت به عنوان اولین قدم مهم در دوم ژوئیه پول تایلند (بات) را در بازارهای بین‌المللی شناور اعلام نمود. در طول ماه بعد ارزش بات ۲۰ درصد کاهش یافت و موجب ایجاد یک شوک موجی نه تنها در تایلند بلکه در سراسر آسیای جنوب شرقی شد، در اوایل ماه اوت کاملاً مشخص بود که دولت چاره‌ای جز درخواست کمک فوری از صندوق بین‌المللی پول ندارد. آنچه صندوق بین‌المللی پول تجویز نمود عبارت بود از:

۱- پیشنهاد اعتبار اتکایی جامع

۲- طرح احیاء اقتصادی.

این طرح مشتمل بر وامهای سندیکایی به ارزش ۱۶/۷ میلیارد دلار با شرایط بسیار سخت بود که دولت به منظور احیاء اقتصاد ناگزیر از رعایت کامل شرایط آن بود. طرح مزبور شامل افزایش مالیات ارزش افزوده از ۷ درصد به ۱۰ درصد به منظور افزایش درآمد، کاهش کسری تراز حساب جاری از معادل ۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۶ به ۵ درصد در سال ۱۹۹۷ و ۳ درصد در سال ۱۹۹۸ و مهار نرخ تورم بین ۹-۸ درصد و حفظ نرخ رشد اقتصادی در حداقل ۲-۳ درصد بود. به علاوه صندوق بین‌المللی پول لازم می‌دانست که هزینه‌های عمومی (به استثنای هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه بهداشت عمومی، آموزشی، رفاه اجتماعی و زیربنایی) کاهش یافته و شناوری ارزش پول داخلی ادامه یابد. دولت با تعلیق عملیات ۵۸ مؤسسه مالی بیمار و پشتیبانی از بقیه مؤسسات معتبر اقدام تکمیلی را انجام داده است.

به هر حال تا بلندیها باید کمربندها را محکم ببندند و لااقل دو سه سال آینده را با سختی و ریاضت بگذارند.

بحران اقتصادی شرق آسیا پس از تایلد، به مالزی، اندونزی و کره جنوبی نیز سرایت نمود و موجب کنشدن رشد اقتصادی، کاهش ارزش پول و سقوط بازارهای سهام این کشورها شد.

در مالزی بحران ارزی چشمگیری رخ داد. مقامات مالزیایی بحران ارزی را به اقدامات ارزیان بین‌المللی علی‌الخصوص «جرج سراس» سرمایه‌دار امریکایی یهودی‌الصل نسبت داده و حتی علل بحران در کشورهای دیگر را همین عامل دانستند، هرچند به نظر می‌رسد این مسئله بیش از حد بزرگ جلوه داده شده است. در مورد علت بحران مجدداً بحث خواهیم کرد اما آنچه مسلم است اینکه نقش ارزیان را می‌توان در مرحله تشدید بحران قابل بررسی دانست و نه به عنوان علت موجب آن. قطعاً سودجویی و فرصت‌طلبی ارزیان نقش بسیار مهمی در تشدید بحران داشته اما علت ایجاد آن نبوده است و تا وقتی کسی بر لب پرتگاه نباشد، پرت کردن او ممکن نخواهد بود.

مالزی برای مقابله با بحران اقدام به یک سلسله تدابیر انقباضی از جمله کاهش دستمزدها، کاهش هزینه‌های سنگین دولت، اعمال محدودیتهایی در مورد اعطای وام و هدف پایین‌تر برای رشد اقتصادی سال ۱۹۹۸ نمود. لازم به ذکر است که بر عکس دیگر کشورهای بحران زده، مالزی از صندوق بین‌المللی پول درخواست کمک نکرد و فقط طی نشستهایی با کشورهای منطقه خواستار

تلاشهای جمعی منطقه‌ای برای مهار و حل بحران اقتصادی شد. در این راستا تلاشهای مالزی در نشست مشترک سران عضو اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) و رهبران ژاپن، چین و کره جنوبی سه کشور همسایه آ.سه.آن در کوالالمپور پایتخت مالزی و نیز نشست سران کشورهای اسلامی در تهران قابل توجه بود. رهبران آ.سه.آن عامل اصلی بحران مالی و اقتصادی منطقه را سیاستهای سوء و ناعادلانه تجاری غرب و جریان یک سویه اطلاع‌رسانی و توطئه خبری بنگاههای خبررسانی وابسته به محافل سیاسی دانسته‌اند. به عقیده اینان انتشار اخبار غیرواقعی مربوط به کاهش ارزش سهام و پول رایج کشورهای شرق آسیا از طرف برخی خبرگزاریها در مبادلات تجاری و مالی این کشورها تأثیرات منفی بر جای گذاشته و در شکل‌گیری بحران فعلی نقش اساسی داشته است.

روی هم رفته مالزی بیش از هر چیز بر آن بوده است تا با اتکاء به منابع داخلی و کمکهای مالی و غیر مالی کشورهای منطقه، بحران اقتصادی خود را مهار کند.

در میان کشورهای بحران‌زده، اندونزی پیش از بروز بحران اقتصادی توانست حمایت مالی را کسب کند و به همین دلیل مورد تحسین قرار گرفت. تحلیل‌گران در بررسی علل آشفتگی مالی اندونزی بر فساد فراگیر و عدم کارایی اقتصادی تأکید گذارده‌اند. البته تاکنون رشد اقتصادی بالا موجب عدم توجه به این موارد شده است.

سوهارتو رئیس‌جمهور اندونزی که به مدت ۳۰ سال این سمت را به عهده داشته و در هفتمین دوره پنجساله ریاست جمهوری نیز توانست از مجلس رأی لازم را بدست آورد، علت این موفقیت‌ها و کاستیها شناخته شد. سوهارتو موفق نشد اصلاحات مورد نظر صندوق بین‌المللی پول را به اجرا بگذارد و مانع از بروز قیام مردمی شود و در نتیجه در یکم خرداد ۱۳۷۷ ناچار به استعفا شد. جانشین وی بشیرالدین یوسف حبیبی، نشانه‌هایی از سیاستهای باز را به‌مراه دارد از جمله اعلام تاریخ انتخابات آینده، آزادی زندانیان سیاسی و تغییراتی در رأس ارتش. با اینحال اندونزی خواهان تغییری عمیق و گسترده است زیرا طی چند ماه به یک کشور فقیر مبدل شده است. این عملکرد برای نظامی که پس از یک حمام خون مورد حمایت ایالات متحده به قدرت رسید، چندان درخشان نیست. در ۳۱ اردیبهشت ماه گذشته مادلین آلبرایت وزیر خارجه امریکا از سوهارتو خواست تا استعفا دهد و راه را برای «گذار به دموکراسی» باز کند. چند ساعت بعد ژنرال سوهارتو اختیاراتش را به معاون منتخب خود واگذار کرد. هر چند این دو واقعه لزوماً از یکدیگر ناشی نمی‌شوند اما گویای ماهیت روابط اندونزی و امریکا طی نیم قرن گذشته‌اند.

سوهارتو پس از دستیابی به قدرت در سال ۱۹۶۵، از حمایت ایالات متحده و سایر دول غربی برخوردار بوده است. کاخ سفید برای حمایت از نظام وی و خشونت آن، همواره ممنوعیت کنگره را دربارهٔ عدم ارسال کمک نظامی و آموزش نیروهای ارتش اندونزی نادیده گرفته است. دولت کلینتون دیگر مراقب اعمال اندونزی در زمینهٔ حقوق کار نیست. کاخ سفید حتی جاکارتا را برای تطبیق دادن آنها با معیارهای بین‌المللی مورد تشویق قرار داده است.

مغضوب واقع شدن ژنرال سوهارتو از این پس در چارچوب روشی سنتی صورت گرفت. این روش قبلاً شامل حال موبوتو سه‌سه‌سکو (رئیس‌جمهور زئیر)، صدام حسین، فردیناند مارکوس (رئیس‌جمهور فیلیپین)، آناستازیو سوموزا (دیکتاتور نیکاراگوئه) و خانوادهٔ دووالیه (هائیتی) شده بود.

سلب حمایت امریکا از این رژیمها عموماً به دو دلیل اصلی عدم اطاعت و یا از کنترل خارج شدن رژیم مورد حمایت بوده است. در مورد سوهارتو این دو دلیل همراه با هم سبب سقوط وی شد. او حاضر نشد دستورات صندوق بین‌المللی پول را که تنبیه جدیدی به مردم تحمیل می‌کرد، بپذیرد و همچنین قادر نبود شورش مردمی را مهار کند، به این ترتیب سوهارتو دیگر به درد امریکا نمی‌خورد.

لازم به ذکر است که پس از جنگ دوم جهانی، اندونزی نقش مهمی را در تلاشهای امریکا برای ایجاد نظم نوین جهانی بر عهده داشت، از آنجا که هر منطقه باید نقش خاصی را ایفا می‌کرد، وظیفهٔ اصلی آسیای جنوب شرقی تأمین مواد اولیه و منابع برای جوامع صنعتی بود و در این راستا اندونزی مهمترین کشور منطقه بشمار می‌آمد.

اندونزی در سال ۱۹۹۷ علاوه بر بحران اقتصادی با بداقبالیهای دیگری نیز روبرو شد این کشور هم‌اکنون از بدترین خشکسالی‌های جهان در نیم قرن اخیر رنج می‌برد، شدیدترین فاجعه آلودگی هوا در ماه سپتامبر به وقوع پیوست و اندونزی با انتقاد شدید بین‌المللی به خاطر اجازه انتشار دود سمی و خطرناک ناشی از آتش‌سوزی جنگلهای آن بر روی اغلب کشورهای جنوب شرق آسیا مواجه گردیده است. از نظر اقتصادی نیز از آغاز سال جاری ارزش دلار در برابر روپیه حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است. در ماه نوامبر ۱۹۹۷ اندونزی قراردادی برای دریافت کمک ۲۳ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول امضاء نمود. لکن عدم تمایل مقامات اندونزی به اعمال اصلاحات اساسی موجب سقوط مجدد ارزش روپیه و وخامت بحران اقتصادی در این کشور شد تا

جایی که با پذیرش توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول، هم‌اکنون اصلاحاتی در این کشور آغاز شده، که باعث بروز بیکاری گسترده در سال ۱۹۹۸ خواهد شد. لازم به ذکر است که تا چندی پیش ارزش هر دلار کمتر از ۳۰۰۰ روپیه بود در حالی که هم‌اکنون هر دلار معادل بیش از ۱۴ هزار روپیه ارزش دارد و این امر نشان‌دهنده شدت بحران اقتصادی در اندونزی است.

در بین کشورهای بحران‌زده، کره جنوبی با وضعیت نامساعدتری مواجه شد و شدت بحران در این کشور به مراتب بیش از دیگر کشورها بود. غرور ملی کره جنوبی تا حدی بود که مقامات این کشور تا ۱۰ روز قبل از فراگیر شدن بحران، درخواست کمک از کشورها و مجامع بین‌المللی نکردند. بحران اقتصادی کره جنوبی موجب ورشکستگی بانکها، کاهش ارزش پول و سقوط بازار سهام شد. در ماه گذشته به دنبال سقوط شدید ارزش «ون» واحد پول کره جنوبی و بیم از بروز ورشکستگی‌های پی‌در پی، بورس سئول سقوط کرد و به میزان ۶/۹ درصد از ارزش خود را از دست داد. به گفته منابع بازار، شاخص بازار سهام ۲۷/۲۲ واحد از ارزش خود را از دست داد و به ۳۹۸/۸ واحد رسید. این در حالی است که واحد پول مالزی از ۳۸/۳۷۸ رینگیت در برابر یک دلار به ۳۸/۹۰۰ رینگیت در برابر یک دلار رسید. از سوی دیگر جدول بدهی‌های کوتاه مدت نشان می‌دهد مالزی ۵ میلیارد دلار، فیلیپین کمتر از ۱۰ میلیارد دلار، تایلند و اندونزی هر کدام بیش از ۳۰ میلیارد دلار و کره جنوبی بیش از ۷۰ میلیارد دلار بدهی کوتاه مدت دارند. وزارت دارایی کره جنوبی میزان کل بدهی خارجی کره جنوبی را ۲۲۷/۵ میلیارد دلار اعلام کرده است و صندوق بین‌المللی پول میزان بدهی کره جنوبی را ۲۵۰ میلیارد دلار محاسبه می‌کند. چنانکه سئول نتواند به موقع بدهی‌های خود را بپردازد، فاجعه اقتصادی در انتظار یازدهمین قدرت اقتصادی بزرگ جهان خواهد بود. اقتصاددانان معتقدند علت اصلی بحران بدهی کره جنوبی، دریافت وام‌های کلان توسط شرکتهای بزرگ مانند سامسونگ، دوو و غیره بوده است که تصور می‌کردند اقتصاد به میزان ۸ تا ۹ درصد در سال به رشد خود ادامه می‌دهد در حالی که اکنون این کشور دچار رکود شده است.

در حال حاضر نیز صندوق بین‌المللی پول جهت حل بحران کره جنوبی وعده یک کمک فوری ۶۰ میلیارد دلاری به این کشور داده و از دولت سئول خواسته است که با اقدامات اقتصادی و مالی به این شرح از تسهیلات وام‌های اعطایی بهره‌مند شود:

از جمله ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار جهت پرهیز از اخراج کارگران و کارمندان، از میان برداشتن محدودیت مالکیت خارجی سهام در سال ۱۹۹۸، پایان دادن به محدودیت خارجی اوراق قرضه تا پایان دسامبر ۱۹۹۷ و پایان دادن به نوسان نرخ بهره تا ماه فوریه. همچنین این صندوق از کره

جنوبی خواست با برکناری مدیریت دو بانک تجاری متضرر شده و دستورالعملهای جدید برای خریداران خارجی مؤسسات عالی داخلی در ماه ژانویه (دی ماه) و اصلاح قوانین مالی که نظارت بانک را تقویت کرده و شرکتهارا ملزم به ارایه ترازنامه مشترک می‌کند، موافقت نماید، اصلاح قوانین مربوط به ورشکستگی تا ماه مارس (فروردین)، رفع محدودیت ورود کالاهای خارجی (تولیدات ژاپن) در سال ۱۹۹۸، فراهم کردن تسهیلات لازم جهت مالکیت و مشارکت شرکتهای خارجی از دیگر مواردی است که صندوق بین‌المللی پول از کره جنوبی درخواست کرده است.

از سوی دیگر امریکا و سایر کشورهای گروه هفت نیز وعده دادند که تا اول ژانویه ۱۹۹۸ به میزان ۸ میلیارد دلار به کره جنوبی وام دهند. همچنین وزیر دارایی ژاپن اعلام نمود توکیو برای بهبود اقتصاد کره جنوبی وامی به ارزش ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در اختیار دولت سنول قرار می‌دهد.

شرایط صندوق بین‌المللی پول برای اعطاء وام به کره جنوبی به قدری دشوار بود که موجب وقوع اعتراضات کارگری در این کشور شد چراکه انجام اصلاحات مورد نظر صندوق بین‌المللی پول، اخراج کارگران اضافی را اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

مؤسسه تحقیقات اقتصادی «ال جی» در سنول اعلام کرده است که رشد اقتصادی کره جنوبی در سال میلادی ۱۹۹۸ در سطح ۱/۳ درصد خواهد بود که کمترین میزان رشد اقتصادی از سال ۱۹۸۰ است. همچنین وزارت اقتصاد و دارایی کره جنوبی اعلام کرده است درآمد سرانه ناخالص ملی این کشور طی سال ۱۹۹۷ به ۹۴۴۳ دلار رسیده است که نسبت به سال گذشته ۱۱۰۵ دلار کاهش نشان می‌دهد و به این ترتیب برای نخستین بار پس از بحران نفتی سال ۱۹۸۰ است که میزان درآمد سرانه در کره جنوبی بیش از ۵۰ دلار کاهش می‌یابد. منابع رسمی کره جنوبی کاهش میزان درآمد سرانه ناخالص داخلی در این کشور را ناشی از کاهش شدید ارزش پول رایج این کشور (ون) در برابر دلار امریکا می‌دانند.

کیم‌دائه جونگ در پیام خود به مناسبت سال نو میلادی گفت: کره جنوبی اکنون با شدیدترین بحران خود از زمان جنگ در این کشور در دهه ۱۹۵۰ روبرو شده است و حل این مشکل تنها در گرو وحدت ملی است.

در یک برآورد کلی، کسانی که در کشورهای جنوب شرقی آسیا در ابتدای سال ۱۹۹۷ سهام خریده‌اند، در پایان این سال لااقل پنجاه درصد زیان کرده‌اند. کشور کره جنوبی که در آغاز سال در

شمار ۱۰ کشور قدرتمند اقتصادی - صنعتی جهان بود، در پایان سال به مقام بیستم این جدول تنزل کرده است.

## ۲- تحلیل علل بروز بحران

همچنانکه پیش از این آمد یکی از عمده‌ترین علل رشد اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی، جذب سرمایه‌های خارجی و گسترش صادرات از این منطقه به سایر نقاط جهان بوده است. این روند جذب سرمایه‌های خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و خرید اوراق بهادار از دو دهه قبل شروع شد و از سال ۱۹۹۵ بویژه در بازارهای سهام شرق آسیا شدت گرفت. به گونه‌ای که ارزش سهام در این بازارها تا چند ماه پیش از بروز بحران، به مراتب بالاتر از ارزش واقعی آنها بود. اما رونق اقتصادی در آمریکا و اروپا و پیش‌بینی کاهش سوددهی سهام در دست سرمایه‌گذاران در بازارهای شرق آسیا، آنها را به خروج سرمایه‌های خود از این منطقه اغوا کرد، و خروج سرمایه‌های خارجی علت اصلی بروز بحران شد. در این میان ارزیانان از موقعیت نوسان‌های موجود استفاده نموده و با اقدامات خود که به انگیزه افزایش سود صورت گرفت، موجب تشدید بحران و وارد آوردن شوکهای اقتصادی به این کشورها شدند. با کمی دقت در میزان بدهی کشورهای بحران زده معلوم می‌شود که کشورهایی که بدهی بیشتری داشته و میزان سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خارجی در آنها بالاتر بوده، شدت بحران نیز در آنها بیشتر بوده است. به این ترتیب جریان خروج سرمایه از شرق آسیا، گذار از بحران را دشوار ساخته و تزریق منابع مالی تازه به اقتصاد کشورهای منطقه ضروری است.

یکی دیگر از علل بروز بحران، سرمایه‌گذاریهای کلان در فعالیتهای غیر تولیدی و غیر صادراتی نظیر املاک و مستغلات و نیز سفته‌بازی بوده است.

همچنین از دیگر علل، می‌توان از وجود فساد در ساختار حکومت و مدیریت اقتصادی این کشورها نام برد. بدین معنی که در دستگاه دولتی فساد مالی گسترده وجود داشته و گروهی که به هرم مدیریت و حکومت نزدیک بودند از این روند برای افزایش ثروت خود بهره برده‌اند و بعضاً اعطای وامها و تسهیلات با شرایط سهل به افراد و نزدیکان داده شده که در زمینه‌های غیر تولیدی و کاسب کارانه مورد استفاده قرار گرفته است.

## ۳- پی‌آمدهای بحران

بحران اقتصادی جنوب شرقی آسیا تأثیرات منفی هم در کشورهای بحران زده و هم در سطح



منطقه برجای گذاشته است و هم بر اقتصاد جهانی و نیز اقتصاد دیگر مناطق جهان که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

**الف - تأثیرات بحران بر کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی:** کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند با در نظر گرفتن تعهدات دولتها، کاهش ارزش پول کماکان در سال جاری (۱۹۹۸) ادامه خواهد داشت. دولتها به سیاست انقباض رو خواهند کرد و مردم بارگران افزایش نرخ بهره را متحمل خواهند شد. رکود اقتصادی و کساد بازار در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، اندونزی و تایلند ادامه خواهد یافت.

اقتصاد تایلند رشد منفی خواهد داشت و کشورهای مالزی، فیلیپین و سنگاپور رشد اندکی دارند. کشورهای منطقه به خاطر افزایش شدید هزینه ناشی از سقوط ارزش پول، با تورم مواجه خواهند بود، بر اثر تعطیل فعالیتهای بازرگانی درصد بیکاری افزایش خواهد یافت و دولتها برای اصلاح و بهبود شرایط اقتصادی به صادرات توجه بیشتری خواهند کرد. همچنین کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند صادرات کشورهای آسیایی در حالی که ارزش پول ملی تحلیل رفته است، رشد قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت بنابراین دولتها به جای تشویق واردات اجناس مصرفی و برای کسب درآمد ارزی بیشتر به تشویق سرمایه‌گذاری خواهند پرداخت. در سال ۱۹۹۸ آسیایی‌ها از رشد بازار مصرف داخلی و جریان سرمایه خارجی در خرید دارایی‌های ثابت ممانعت خواهند کرد. کاهش ارزش پول، سقوط شاخص بازار سهام و تحلیل ارزش دارایی‌ها را در جنوب شرقی آسیا به دنبال داشته است. بار سنگین دیون به ورشکستگی بانکها، شرکتهای و صنایع منتهی خواهد شد. هم‌اکنون دیون و تعهدات مالی در حال افزایش است. بنابراین بازپرداخت دیون غیر ممکن و رشد تولید ناخالص داخلی کشور اندونزی به صفر نزدیک می‌شود. کشورهای کره جنوبی و تایلند نیز دارای شرایط مشابه می‌باشند. اگر ارزش پول کشورهای کره جنوبی، تایلند و اندونزی (سه کشوری که اقتصاد آنها تحت نظر صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته است) کماکان به روند سقوط خود ادامه دهند تنها راه حل بازپرداخت دیون، تقسیط مجدد بدهی‌ها است.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است بروز بحران مالی در آسیا رشد اقتصادی این منطقه را کند خواهد کرد. بر این اساس رشد اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۹۸ از ۳/۵ درصد به ۲/۵ درصد، اندونزی از ۴/۲ درصد به ۲ درصد تنزل خواهد کرد و تایلند نیز در سال ۱۹۹۸ رشد اقتصادی نخواهد داشت. کسری تراز حساب جاری کشورهای آسیایی در سال ۱۹۹۸ میلادی افزایش خواهد یافت و صندوق بین‌المللی پول این افزایش را ۲۹ درصد و تا سطح ۲۳۰ میلیارد دلار پیش‌بینی کرده

است. رکود اقتصادی در آسیا، صادرات امریکا را کاهش خواهد داد و کاهش ارزش پول این کشورها در برابر دلار، کالاهای آسیایی را ارزانتر از کالاهای امریکایی خواهد کرد.

از دیگر اثرات بحران اقتصادی شرق آسیا، تعطیلی پروژه‌های صنعتی مشترک بین کشورها بوده است برای نمونه می‌توان از متوقف کردن طرح تولید مشترک خودرو بین هیوندایی کره جنوبی و اندونزی نام برد. گروه هیوندایی به دلیل بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری و مشکلات مالی، طرح ۴۰۰ میلیون دلاری خود را در اندونزی متوقف کرده است. قرار بود پس از پایان مراحل اجرایی این طرح سالانه ۱۰۰ هزار خودرو در اندونزی تولید شود. نمونه‌ای دیگر از این مسأله تصمیم شرکت مخابرات کره جنوبی مبنی بر فروش سهام خود در یک شرکت مخابراتی مشترک در هند (به نام مودی) است. دلیل این تصمیم مشکلات مالی طرف کره‌ای ذکر شده است.

یکی دیگر از تأثیرات بحران اقتصادی شرق آسیا در حوزه سیاسی، تغییر دولت‌های تایلند و کره جنوبی بوده است.

**ب- تأثیر بحران بر اقتصاد جهان:** به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، بحران مالی کشورهای شرق آسیا بر جو سرمایه‌گذاری و اعتماد تجاری در سراسر جهان اثر منفی خواهد گذاشت و از اینرو تأثیر جدی‌تری نیز بر اروپا می‌تواند داشته باشد. به گفته اقتصاددانان انتظار می‌رود صادرات کشورهای اروپایی به آسیا به ویژه لوازم تجملی که بهای آنها به پولهای محلی افزایش خواهد یافت به شدت کاهش یابد و این در حالی است که فرآورده‌های ساخت اروپا از جانب کالاهای آسیایی در بازارهای دیگر از جمله بازار امریکا با رقابت شدید روبرو خواهند شد.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است رشد اقتصادی جهان در سال ۱۹۹۸ میلادی به میزان ۳/۵ درصد خواهد بود که کمترین میزان در پنج سال اخیر است. همچنین رشد اقتصادی اروپا که وابستگی کمتری به بازارهای صادرات آسیا دارد، در سال ۱۹۹۸ میلادی ۰/۱ درصد نسبت به برآورد آن در ماه اکتبر ۱۹۹۷ یعنی ۲/۷ درصد، کاهش خواهد یافت.

در ادامه تأثیرات جهانی بحران اقتصادی شرق آسیا، سه شرکت چند ملیتی مستقر در سوئیس (اریکسون، الکترولوکس و ولوو) اعلام کرده‌اند که سطح فروش آنها در آسیا سیر نزولی دارد. در همین حال در ژاپن رییس بزرگترین شرکت فولاد جهان هشدار داد که فولاد این کشور در زمینه صادرات در آینده تحت تأثیر پایین آمدن شدید ارزش «وون» پول کره جنوبی قرار خواهد گرفت.

**ج- تأثیر بحران بر خاورمیانه و ایران:** در منطقه خاورمیانه به طور کلی اولین تأثیر بحران مالی

شرق آسیا بر تقاضای نفت خواهد بود. لازم به ذکر است که بخش اعظم انرژی و سوخت نفتی و گازی که راه را برای حصول رشد اقتصادی سریع منطقه جنوب شرق آسیا هموار کرده است از منطقه خاورمیانه صادر می شده است. به موجب این تقاضا که هر ساله رشد قابل توجهی داشت و از ۱۹/۹ میلیون بشکه نفتی که کشورهای نفت خیز خاورمیانه و شمال افریقا در سال ۱۹۹۶ میلادی صادر کرده بودند، ۱۰/۳ میلیون بشکه یا ۵۲ درصد آن راهی آسیای شرقی به استثنای چین می شد. اکنون که بحران مالی کشورهای منطقه را فرا گرفته است پیش بینی می شود سرعت رشد تقاضای نفت آنها کندتر شود. به نظر می رسد همین پیش بینی در مورد گاز منطقه هم صادق باشد.

تأثیر دوم بحران آسیای شرقی این است که احتمالاً جریان انتقال سرمایه به سوی کشورهای خاورمیانه افزایش یابد و در این صورت کشورهای منطقه و منجمله ایران بایستی شرایط جذب این سرمایه ها را فراهم کنند.

تأثیر سوم این بحران، بر اجرای طرحهای بزرگ ساختمانی و مهندسی در خاورمیانه است که به نفع کشورهای منطقه خواهد بود. کاهش ارزش «وون» واحد پول کره جنوبی موجب خواهد شد تا این کشور بتواند ارزان تر از بقیه کشورها قیمت های پیشنهادی خود را ارائه دهد و بسیاری از طرحهای ساختمانی و مهندسی آتی خاورمیانه را به دست آورد.

تأثیر چهارم این بحران، عرضه ارزان تر کالاهای کشورهای شرق آسیا در منطقه خاورمیانه است. این مسأله برای کشورهای مصرف کننده منجمله کشورهای عربی خلیج فارس که تولیدی از خود ندارند، مفید خواهد بود اما برای کشورهایایی که در راه توسعه گام برمی دارند منجمله ایران تأثیر منفی خواهد داشت چرا که اگر محدودیت هایی بر واردات آنها به داخل کشور اعمال نشود بازار مصرف را از کارخانجات تولیدی داخل گرفته و به این ترتیب صنایع داخلی متضرر و احتمالاً ورشکست خواهند شد.

## منابع

- ۱- دنی لیبزیگر، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه و نظارت: غلامعلی فرجادی، (تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، چاپ اول، ۱۳۷۵).
- ۲- کازوشی اوکاوا و هیروهیسا کوهاما، فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، ترجمه بهزاد سلطانزاده، (تهران: انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۲).

۳- مرتضی شریف‌النسی، چرخه توسعه: توسعه اقتصادی-صنعتی کشورهای جنوب شرق آسیا، (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۵).

۴- تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران طی ماههای آذر، دی و بهمن ۱۳۷۶.

5. The world Bank, *the East Asian Miracle: Economic Growth and Public Policy*,

(The International Bank for Reconstruction and Development, 1993).

6. The Falcon That Fell to Earth: The Collapes of Peregrine Investments Highlights Asla's Risky Dealings, *Time*, January 26, 1998.

7. What Asian Contagion?, *Time*, December 15, 1997.

